



The Defensive Strategy of the Islamic Republic of Iran in Response to Geopolitical Developments in the South Caucasus

Farhad Arianfar

Senior Expert in Defense Affairs and West Asia Studies.

Mohsen Moradian

Assistant Professor (Corresponding Author).

Mohsen Rostami

Associate Professor, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Abstract

This study aims to present a defensive model for the Islamic Republic of Iran in response to the geopolitical developments in the South Caucasus region. The research is applied-developmental in nature, employing a descriptive-analytical, case-based, contextual, and correlational approach, with extensive reliance on documents and expert opinions. In analyzing expert interviews, a grounded theory methodology was utilized. Initially, the researcher, using credible domestic and international sources, described the geopolitical developments in the region and the defense posture of Iran. Subsequently, consultations with experts were conducted to validate the library-based findings and achieve the research objectives. A mixed-method approach was employed, integrating both quantitative and qualitative perspectives to enrich the study. The expert population comprised 29 individuals, including academic researchers and professionals from the Armed Forces and the Ministries of Interior and Foreign Affairs, all of whom were interviewed or participated in expert panels. Additionally, 30 scholars and researchers with at least one relevant publication on the South Caucasus were surveyed through a census method to complete questionnaires. The findings, alongside proposed organizational and armament models, indicate that Iran should avoid leveraging ethnic groups to achieve its objectives. Instead, it should foster trust in its relations with Azerbaijan, demonstrating that while religious considerations are acknowledged, there is no intention to export its revolution to advance its strategic goals in the South Caucasus.

Keywords: Defensive Model, South Caucasus, Defense Strategies, Key Defense Drivers, Geopolitical Developments of the Islamic Republic of Iran



الگوی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی

فرهاد آریانفر

کارشناس ارشد امور دفاعی و مسائل غرب آسیا

محسن مرادیان

استادیار دانشگاه (نویسنده مسئول).

محسن رستمی

دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

چکیده

این تحقیق با هدف ارائه الگوی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی انجام شده است. نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای است و روش آن، توصیفی - تحلیلی، موردی - زمینه‌ای و همبستگی بوده و اتکا به اسناد و دیدگاه خبرگان در آن، زیاد است. در تحلیل مصاحبه با خبرگان نیز روش داده‌بنیاد مورد استفاده قرار گرفته است. در این تحقیق، محقق ابتدا با استفاده از اسناد معتبر داخلی و خارجی به توصیف تحولات ژئوپلیتیک منطقه و وضعیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران، پرداخته و سپس با مراجعه به خبرگان، برای تحقق اهداف تحقیق و اعتباریابی یافته‌های کتابخانه‌ای اقدام نموده است. رویکرد تحقیق نیز آمیخته بوده و محقق از هر دو رویکرد کمی و کیفی به‌منظور غنای تحقیق استفاده کرده است. جامعه آماری خبرگان تحقیق شامل محققان و خبرگان دانشگاهی و نیروهای مسلح و وزارت کشور و امور خارجه ۲۹ نفر برآورد گردید که با تمام آن‌ها مصاحبه به عمل آمد یا از آنان در جلسات خبرگی دعوت شد. جامعه کارشناسان نیز شامل نویسندگان و محققان و استادان دانشگاه در حوزه قفقاز جنوبی با حداقل یک تألیف در زمینه مرتبط، ۳۰ نفر برآورد گردید که به تمام آن‌ها به روش تمام‌شمار برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها مراجعه گردید. نتایج تحقیق ضمن ارائه الگوهای سازماندهی و تسلیحاتی، نشان می‌دهند که ایران نباید گروه‌های قومی را برای تأمین اهداف خود به خدمت گیرد و باید اقدام به اعتمادسازی در روابط خود با آذربایجان نموده و نشان دهد که ضمن توجه به عنصر مذهب در روابط با این کشور، قصد صدور انقلاب خود برای پیشبرد اهدافش در قفقاز جنوبی را ندارد.

کلیدواژه‌ها: الگوی دفاعی، قفقاز جنوبی، راهبردهای دفاعی، پیشران‌های کلیدی دفاعی، تحولات ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران.



مقدمه

به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، فروپاشی شوروی مهم‌ترین تحول نیمه دوم قرن بیستم محسوب می‌شود. شوروی به‌عنوان ابرقدرتی که یک‌سوی نظام دوقطبی را تشکیل می‌داد؛ تأثیر تعیین‌کننده‌ای در ساختار نظام بین‌الملل، تعارضات و تخصیصات و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، تعیین اهمیت و تحلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، فراز و فرود رژیم‌های سیاسی، محیط‌های امنیتی کشورهای همسایه و تعیین مرزهای سیاسی آنان به همراه داشته است. این موضوع به‌تناسب ویژگی‌های جغرافیایی، مجاورت، ماهیت حکومت، ایدئولوژی حاکم و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، الگوی دفاعی کشورهای مختلف، مخصوصاً کشورهایی که در مجاورت این اتحادیه بودند (مانند ایران که در مجاورت مرزهای جنوبی آن واقع شده بود) را بسیار متأثر کرده است. به‌طوری‌که در سطح منطقه‌ای، برآمدن ۱۵ کشور مستقل بزرگ و کوچک از قلمرو سابق شوروی در حوزه‌های اروپایی و آسیایی، از یک‌سو باعث شکل‌گیری سیستم‌های امنیتی جدید به‌ویژه در قلمرو آسیایی آن، یعنی قفقاز و آسیای مرکزی شد و از سوی دیگر، خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی، فقدان یک قدرت مسلط منطقه‌ای را به دنبال داشت که این رویدادها، منطقه را واجد ویژگی‌هایی کردند که قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، روسیه و ترکیه) و فرامنطقه‌ای (ایالات متحده آمریکا، اروپا، چین و رژیم صهیونیستی) را متوجه بهره‌گیری از پتانسیل‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر آن نموده است.

در چنین شرایطی و به دنبال تحولات ژئوپلیتیک متأخر نظیر بازپس‌گیری مجدد قره‌باغ توسط جمهوری آذربایجان، الگوی دفاعی ایران با شرایط منطقه‌ای تازه‌ای روبه‌رو شده که کاملاً متمایز و متفاوت از شرایط پیشین است. در شرایط جدید، همسایگی جمهوری اسلامی با کشورهای قفقاز جنوبی ضمن آنکه خودبه‌خود متضمن فرصت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی است؛ دربردارنده پاره‌ای تهدیدات نیز گردیده که دفاع از کشور را با چالش مواجه نموده‌اند.

در این میان حضور کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی و مسائل و موارد متعدد دیگر، مقولاتی هستند که حساسیت ایران را برانگیخته و توجه جدی به این منطقه را لازم نموده است. اهمیت این منطقه از سوی دیگر به واسطه این امر تشدید می‌گردد که برخی بازیگران فرامنطقه‌ای که در صدد حضور و نفوذ در محیط امنیتی جمهوری اسلامی می‌باشند، از جمله کشورهای محسوب می‌گردند که دارای روابط خصمانه با آن هستند. این نکته علاوه بر رقابت‌های معمول بین کشورها بر سر دستیابی به منافع ملی، حضور آن‌ها را حساسیت برانگیزتر نموده است. حضور ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و در مراحل بعد، ترکیه و برخی کشورهای اروپایی به دلایل مذکور، پیامدهای سیاسی، امنیتی و دفاعی بیشتری را متوجه جمهوری اسلامی ایران نموده که مدیریت آن‌ها نیازمند داشتن الگوی مناسب دفاعی است.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

منطقه قفقاز جنوبی هم برای همسایگان نزدیکش و هم برای سایر قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و کشورهای اروپایی، نقش مهمی ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر، این منطقه شاهد تغییرات راهبردی عمده‌ای بوده و وضعیت ژئوپلیتیک آن، باعث شکل‌گیری تحولات منحصر به فرد این سرزمین گردیده است.

این تحولات، الگوهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در شمال غرب کشور را به گونه‌ای دچار تحولات اساسی نموده که الگوهای قبلی در شرایط جدید ناکارآمد و ناکافی می‌باشند. جمهوری اسلامی ایران با وجود اشتراکات تاریخی و فرهنگی و حتی اقتصادی با این کشورها، الگوی دفاعی مناسبی برای رویارویی با تحولات ژئوپلیتیک منطقه نداشته و ممکن است در آینده با چالش‌های دفاعی متعدد در این منطقه مواجه گردد.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت داشتن الگوی مدون برای دفاع از کشور بر کسی پوشیده نیست. در این راستا داشتن الگوی دفاعی در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی برای جمهوری اسلامی دارای اهمیت بوده و می‌تواند پیامدهای مثبت زیر را به دنبال داشته باشد: رهیافت‌های راهبردی مبتنی بر این پژوهش و ارائه یک الگوی دفاعی در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی می‌تواند در راستای دستیابی به الگوی فرماندهی و مدیریت مؤثر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد؛ عدم انجام این تحقیق و نادیده گرفتن تحولات ژئوپلیتیک منطقه و آثار آن، می‌تواند به تکرار مشکلات به قیمت از دست دادن سرمایه‌های انسانی و مادی و در نهایت کاهش بهره‌وری سازمانی نیروهای مسلح منجر گردد. همچنین نداشتن الگوی مدون در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی، ممکن است به بی‌تصمیمی مقامات و تصمیم‌گیرندگان راهبردی کشور بینجامد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

بهمن شعیب (۱۴۰۱) در تحقیق خود تحت عنوان «طرح راهبردی تحولات مطلوب جمهوری اسلامی ایران برای آینده جمهوری آذربایجان»، مدعی است که ظرفیت‌ها و پتانسیل فراوانی برای ایجاد همگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان وجود دارد ولی به دلیل اتخاذ سیاست‌های غرب‌گرایانه توسط باکو، دعوت از رژیم صهیونیستی برای فعالیت در خاک آن کشور و سرکوب شیعیان و حرکت‌های اسلامی، تشویق و توسعه گرایش‌های سیاسی و فرهنگی لائیک، طرح موضوعات بی‌اساس ارضی در قبال جمهوری اسلامی ایران و سایر همسایگان به‌ویژه ارمنستان و حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و قوم‌گرای ایرانی، رویکردی امنیتی‌محور بر روابط دوجانبه تهران-باکو حاکم نموده است.

کریم رحمانی (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان «توسعه نقش امنیتی ناتو در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن در روابط با جمهوری اسلامی ایران»، معتقد است که غرب از طریق ناتو، نفوذ خود در منطقه را افزایش داده و با انجام اقدامات نظامی این کشورها را مرعوب و



وابسته به خودساخته است. کشورهای غربی ابتدا احتمال و خطر هجوم و لشکرکشی روسیه به کشورهای ضعیف قفقاز را مورد تأکید قرار داده و سپس با دامن زدن به پروژه ایران‌هراسی، نسبت به ایجاد سدی در این منطقه اقدام نموده و از این رو به مرور روابط بین کشورهای قفقاز با چالش‌های جدید و واگرایی‌های جدی‌تری مواجه شده است. در چنین وضعیتی لازم است جمهوری اسلامی ایران ضمن افزایش فعالیت دیپلماتیک، از ظرفیت‌های خود برای حضور بیشتر در این منطقه و بی‌اثر نمودن اقدامات دشمنان استفاده نماید.

هادی اعظمی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مقاله «اهداف حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر منافع ملی ایران»، بر این باورند که افزون بر وجود ذخایر نفتی و موقعیت جغرافیایی آذربایجان در همسایگی روسیه و ایران و دریای خزر به‌عنوان بخشی از منبع تأمین انرژی جهان آینده، استفاده از پیوستگی‌های قومی و زبانی، تلاش برای گسترش حضور اقتصادی و نظامی، تلاش برای کاهش نفوذ رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، تلاش برای گسترش دموکراسی و رعایت حقوق بشر و تبلیغات و نفوذ فرهنگی، از مهم‌ترین این اهداف هستند. چنین تلاشی برای گسترش حضور همه‌جانبه در جمهوری آذربایجان، برای منافع ملی ایران که ۷۶۵ کیلومتر مرز مشترک با این کشور دارد همراه با پیامدهای مختلف در عرصه‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بوده است.

۱-۴. سؤال تحقیق

الگوی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی کدام است؟

۱-۵. هدف تحقیق

تدوین و ارائه الگوی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی.

۱-۶. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق در درجه اول از نوع کاربردی است؛ زیرا تبیین ترتیبات دفاعی-امنیتی محتمل ناشی از تحولات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، می‌تواند به‌منظور بهره‌برداری تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور و فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در خصوص تحولات این منطقه مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، این تحقیق توسعه‌ای نیز است.

از آنجاکه پژوهشگران در نظر داشته‌اند در این تحقیق الگوی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی را تبیین نمایند، بنابر این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی، موردی-زمینه‌ای و همبستگی انجام شده و اتکا به اسناد و دیدگاه خبرگان در آن، زیاد است. در تحلیل مصاحبه با خبرگان نیز روش داده‌بنیاد مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه آماری خبرگان تحقیق شامل محققان و خبرگان دانشگاهی و نیروهای مسلح و وزارتین کشور و امور خارجه با حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت، حداقل ۳۰ سال سن و حداقل مدرک تحصیلی دکتری و جایگاه شغلی معادل ۱۷ است. طی بررسی‌های اولیه، حجم جامعه آماری خبرگان ۲۹ نفر برآورد گردید که با تمام آن‌ها مصاحبه به‌عمل آمده یا از آنان در جلسات خبرگی دعوت شد. جامعه کارشناسان تحقیق نیز شامل نویسندگان و محققان و استادان دانشگاه در حوزه قفقاز جنوبی با حداقل یک تألیف در زمینه مرتبط، ۳۰ نفر برآورد گردید که به تمام آن‌ها به روش تمام‌شمار برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها مراجعه شد. جامعه آماری دیگر تحقیق، اسناد، کتب‌ها و مقاله‌های منتشره در زمینه موضوع تحقیق بود که محقق با مراجعه به آن‌ها، از مطالب منتشره برای تبیین ترتیبات دفاعی-امنیتی قفقاز جنوبی پس از عبور از صافی خارجی استفاده نموده است.

در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، گرچه از اعداد و ارقام و آمارها زیاد استفاده شده و تحلیل‌های کمی نیز در خصوص ترتیبات دفاعی-امنیتی منطقه قفقاز جنوبی ارائه گردیده، ولی رویکرد اصلی تحقیق، کیفی است که با روش «گراندد تئوری»^۱ انجام شده است.

فرایند انجام مصاحبه‌ها به این گونه بود که ابتدا سؤال‌های کلی با توجه به عنوان پژوهش و مؤلفه‌های اصلی مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین به‌عنوان راهنمای شروع مصاحبه‌ها طراحی شد که پاسخ‌های باز و تفسیرگرایانه داشت و پاسخ مصاحبه‌شوندگان، روند ادامه مصاحبه‌ها را هدایت می‌کرد. بیشتر مصاحبه‌ها ضبط و سپس روی کاغذ پیاده و تجزیه و تحلیل شد. کسب اجازه ضبط مصاحبه‌ها، رضایت آگاهانه، حفظ گمنامی، محرمانه بودن اطلاعات و تعهدات اخلاقی در همه مصاحبه‌ها مورد توجه بوده است. مدت زمان مصاحبه‌ها به‌طور متوسط ۳۷ دقیقه با انحراف معیار ۱۲ دقیقه بود و تا رسیدن به غنای لازم و تکراری شدن و رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یافت. همه مصاحبه‌ها توسط پژوهشگران انجام شد و نفر اول مصاحبه‌ها یکی از استادان دانشگاه بود که مقاله‌های متعدد در زمینه تحقیق منتشر نموده بود. نفرات بعدی نیز به‌صورت زنجیره‌ای از میان اعضای جامعه آماری توسط فرد قبلی معرفی و انتخاب می‌شدند. محیط پژوهش، متناسب با پژوهش کیفی، محیط واقعی و طبیعی بود و مراحل کدگذاری شامل سه گام کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی به شرح زیر پیگیری شد.

در این پژوهش برای اطمینان از پایایی، روش توافق درون موضوعی دنبال شد. برای این کار، از یکی از دانشجویان دکتری درخواست شد به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کنند. آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم به‌منظور کدگذاری مصاحبه‌ها نیز به ایشان ارائه شد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که نظر دو نفر مشابه هستند، با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند. سپس محقق به همراه این همکار پژوهشی، تعداد ۳ مصاحبه را از میان ۳۰ مصاحبه انجام شده، کدگذاری کرد و درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود، با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

نتایج حاصل از این کدگذاری‌ها در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	پنجم	۵۰	۴۱	۹	۸۲
۲	هشتم	۳۵	۲۷	۸	۷۷
۳	بیست و یکم	۳۰	۲۳	۷	۷۶
کل		۱۱۵	۹۱	۲۴	۷۹

پایایی بین دو کدگذار با استفاده از فرمول ذکر شده، ۷۹ درصد است که از ۶۰ درصد بالاتر است؛ بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید تشخیص داده شد.

۲. مبانی نظری تحقیق

شرایط حاکم بر قفقاز جنوبی و رفتار سیاسی کشورهای منطقه، گویای آن است که هیچ‌گاه «وضعیت بلوک» شکل نگرفته است. این وضعیت نه تنها در روابط میان سه کشور ارمنستان، گرجستان و آذربایجان بلکه در چهارچوب سازمانی فراگیر مانند جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱ نیز به وجود نیامده است؛ به این معنی که مانند اتحادیه اروپا یا «آ.سه.آن»، به‌عنوان یک واحد سیاسی یکپارچه در سیاست بین‌الملل عمل نکرده‌اند.

۲-۱. الگوهای دوستی و دشمنی در قفقاز جنوبی

در بحث از امنیت منطقه‌ای، عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌ها است. به نظر بوزان و ویور، این عنصر کمتر در نظریه روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته و اثر و لفرز در این مورد استثنا است (Wolfers, 1962). منظور از دوستی این است که در روابط میان دولت‌ها، طیفی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن، سوءظن و هراس حاکم است. نمودار زیر گویای الگوی دوستی و دشمنی در نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای

1. Commonwealth of Independent States (CIS)

است. چیزی که این دو قطب را از یکدیگر جدا می‌کند، فاصله وسیعی از بی‌تفاوتی یا بی‌طرفی است که در آن، دوستی و دشمنی یا به قدری ضعیف است که چندان به حساب نمی‌آید (بوزان، ۱۳۹۲: ۲۱۹). از سوی دیگر میان الگوی دوستی و دشمنی با توازن قوا تفاوت وجود دارد. در واقع این الگو می‌تواند از اختلافات مرزی و ارضی، تمایلات قومی یک واحد نسبت به واحد دیگر، اختلافات یا اشتراکات ایدئولوژیک و ارتباطات مثبت یا منفی تاریخی ناشی شود (Buzan, 1991: 189-190). با نگاه واقع‌بینانه‌تر می‌توان گفت این الگوها یک واقعیت تاریخی ویژه دارند که همان بُعد تکوین‌یافته ساختار است. به همین دلیل است که الگوی دوستی و دشمنی برخلاف نظریه‌های نوواقع‌گرا، فقط تا حدودی به توازن قدرت ارتباط پیدا می‌کند و در چهارچوب آن، روند تاریخی دوستی و دشمنی اهمیت می‌یابد (Buzan and Little, 2000: 68-69).

۲-۲. ساختار روابط در قفقاز جنوبی: از معضل امنیتی^۱ تا نظام توازن قدرت

وجود وضعیت «وابستگی متقابل امنیتی منفی» در قفقاز جنوبی تأییدی بر وضعیت «جنگ تا وضعیت بحران مداوم» در روابط بین کشوری و وضعیت «موازنه تهدید» در نتیجه پیوند سطوح سه‌گانه فرایند قطب‌بندی (قطبش) در قفقاز جنوبی است. مجموع این بحث‌ها کمک می‌کند تا ساختار روابط در مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی را تبیین نماییم.

جدول ۲: ساختار روابط و سیاست دفاعی کشورها در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای

ساختار روابط در یک مجموعه امنیتی	الگوی دفاعی کشورها
وضعیت معضل امنیتی	الگوی دفاعی خودیار
وضعیت رقابت و موازنه قدرت منطقه‌ای	الگوی دفاعی متکی به پیمان‌های نظامی ناپایدار و محدود
وضعیت ترتیبات امنیتی منطقه‌ای (نظام امنیت جمعی)	الگوی دفاعی متکی به پیمان‌های نظامی پایدار و فراگیر
وضعیت رژیم امنیتی	الگوی دفاعی همکاری‌کننده و غیرتحریک‌آمیز

1. Security dilemma

وضعیت آنارشیک مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی گویای آن است که ترتیبات امنیتی این منطقه در حال حرکت از وضعیت «معضل امنیتی» به «نظام موازنه قدرت» است که این وضعیت کاملاً هم‌سو با وضعیت «جنگ تا بحران مداوم» و وضعیت «هراس و سوءظن» در الگوهای دوستی و دشمنی است. در تبیین وضعیت «معضل امنیتی» در قفقاز جنوبی باید به این نکته اشاره نمود که این وضعیت از مفروض‌های اصلی واقع‌گرایی تدافعی^۱ به شمار می‌رود. منظور از معضل امنیتی، ترتیباتی است که در آن تلاش برای افزایش امنیت خود، باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود (Taliaferro, 1999).

۲-۳. ایده جمهوری اسلامی ایران برای استقرار امنیت در قفقاز جنوبی (سازوکار امنیتی ۳+۳)

در این ایده سه کشور حوزه قفقاز جنوبی در همکاری با سه کشور همسایه ایران، روسیه و ترکیه، امنیت منطقه را تضمین می‌نمایند. این ایده در سفر منطقه‌ای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به کشورهای منطقه قفقاز در سال ۲۰۰۳ ارائه شد که با واکنش‌های متفاوت مقامات کشورهای مربوطه و استقبال منفی جمهوری آذربایجان مواجه گردید. نگاهی به تاریخ قفقاز در پنج قرن گذشته نشان می‌دهد که همواره تحولات این منطقه از سوی ایران، روسیه و ترکیه (عثمانی گذشته) تحت تأثیر بوده است. اکنون نیز بسیاری معتقدند برقراری امنیت در قفقاز بستگی به هم‌سویی مواضع این سه کشور در منطقه قفقاز دارد (نوراترت، ۲۰۰۰).

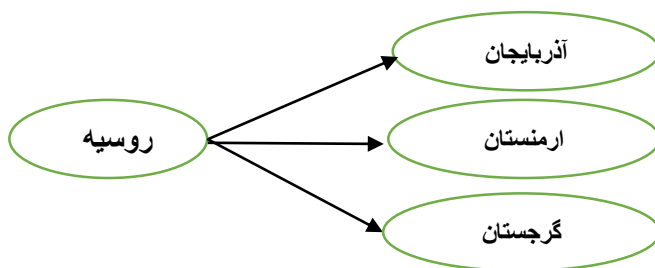
نکته مثبت این الگو، رد حضور بیگانگان و مشارکت هر سه قدرت پیرامون منطقه قفقاز در ترتیبات امنیتی آن است؛ اما درعین حال رقابت سه کشور به‌ویژه ترکیه با ایران و روسیه در قفقاز همچون مانع عمده‌ای برای کارایی آن، محسوب می‌گردد. ایران معتقد است برای برقراری امنیت در منطقه قفقاز، همکاری و هم‌فکری همه کشورهای منطقه لازم و ضروری است تا مانع فرصت‌طلبی بیگانگان را فراهم سازد.

1. Defensive realism

این موضوع در برخی برهه‌ها مورد استقبال سه جمهوری قفقاز جنوبی قرار گرفته است. این الگو نه آنقدر وسیع و نامحدود است که با باز کردن پای بازیگران بیگانه در منطقه، وضعیت امنیتی منطقه را پیچیده سازد و نه آنقدر ناقص است که با کنار گذاشتن قدرت‌های هم‌مرز با قفقاز، واقعیات منطقه‌ای را نادیده بگیرد.

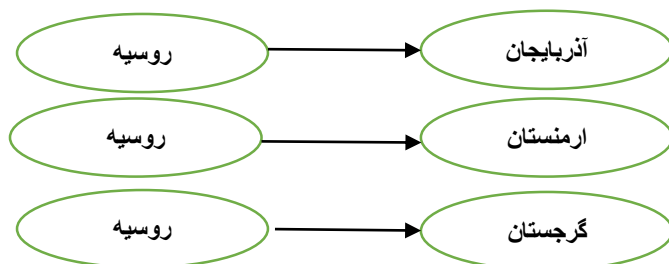
۲-۴. ایده فدراسیون روسیه (سازوکار امنیتی ۱+۳ یا ۱+۱، ۱+۱، ۱+۱، ۲+۴)

در این الگو، روسیه متکفل اصلی امنیت قفقاز بوده و سه کشور حوزه قفقاز جنوبی به‌صورت یک‌جا یا به‌صورت جداگانه در قرارداد همکاری امنیتی با روسیه، امنیت داخلی خود را کسب می‌نمایند.



شکل ۱: الگوی ۱+۳ مورد حمایت روسیه

این الگو نوعی نگرش بدبینانه به ایران و ترکیه داشته و آن‌ها را فاقد امکانات و علاقه لازم برای تأمین امنیت قفقاز می‌داند. الگو از آن جهت که مخالف حضور قدرت‌های بیگانه از جمله ناتو و آمریکا در منطقه است، مثبت تلقی می‌گردد؛ ولی شکی نیست که با بستن راه مشارکت ایران و ترکیه، مغایر واقعیات منطقه‌ای است و از این جهت یک الگوی انحصارگرایانه امنیتی محسوب می‌شود (ایرنا، ۱۳۸۰/۳/۰۹).

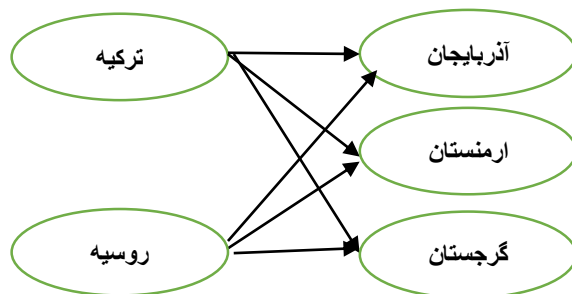


شکل ۲: الگوی ۱+۱ و ۱+۱ و ۱+۱ مورد حمایت روسیه

الگوی ۲+۴ در میان الگوهای منطقه‌ای، هدف تضمین منافع روسیه را دنبال می‌کند. طبق این الگو، گروه اول سیستم امنیت جمعی قفقاز باید از چهار دولت روسیه، گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان و گروه دوم از ترکیه و ایران تشکیل گردد که با منطقه هم‌مرز هستند. این الگو از یک‌سو به الگوی ۳+۱ نزدیک است؛ زیرا به روسیه نقش برتری جویانه می‌دهد و از سوی دیگر به الگوی ۳+۳ نیز نزدیک است؛ چرا که هر شش بازیگر این الگو را در بردارد. این الگو تعدیل شده الگوی ۳+۱ است. چرا که در الگوی ۳+۱ حتی کشورهای ایران و ترکیه به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای پذیرفته نشده بودند؛ ولی در این الگو ترکیه و ایران به‌عنوان کشورهای ذی‌نفع در قفقاز جنوبی پذیرفته شده‌اند؛ اما روسیه در جایگاه برتر نسبت به این کشورها قرار گرفته است. همین موضوع یکی از عیب‌های مهم الگوی ۴+۲ است. چرا که چگونگی تقسیم‌بندی بازیگران در این الگو نشان می‌دهد روسیه از دیدگاه برتری جویانه و عمودی به مسائل امنیتی قفقاز نگاه می‌کند؛ حال آنکه چنانچه تجربیات دهه گذشته نشان داده، برقراری و استقرار امنیت در قفقاز، نیازمند همکاری هم‌سطح و موازی همه بازیگران است (جیلایان، ۲۰۰۰).

۲-۵. ایده ترکیه (سازوکار امنیتی ۲+۳)

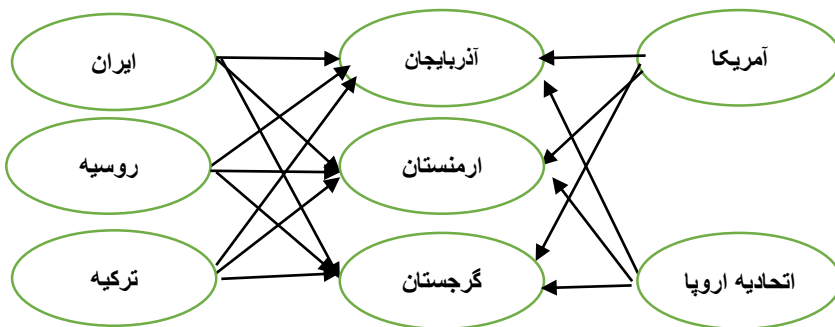
اساس این الگو بر آن است که سه کشور حوزه قفقاز جنوبی در همکاری با روسیه و ترکیه امنیت منطقه را تضمین نمایند. در این ایده، ترکیه و روسیه تنها قدرت‌های مؤثر و صاحب نفوذ در قفقاز تلقی شده و چنین وانمود می‌گردد که جمهوری اسلامی نقشی در برقراری صلح و تثبیت اوضاع در قفقاز ندارد (زولیان، ۲۰۰۰).



شکل ۳: الگوی ۲+۳ مورد حمایت ترکیه

۲-۶. ایده جمهوری آذربایجان (سازوکار امنیتی ۲+۳+۳)

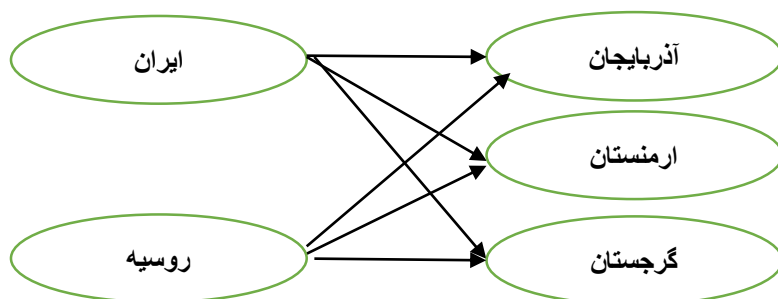
جمهوری آذربایجان معتقد است که امنیت قفقاز از طریق همکاری سه کشور اصلی حوزه قفقاز با سه کشور همسایه خود، در کنار آمریکا و اروپا میسر است. از نظر این کشور، آمریکا و اروپا ارکان مکمل حفظ امنیت در قفقاز محسوب می‌گردند.



شکل ۴: الگوی ۲+۳+۳ مورد حمایت جمهوری آذربایجان

۲-۷. ایده ارمنستان (سازوکار ۲+۳)

ارمنستان به علت سابقه تاریخی اختلاف خود با ترکیه و در حمایت سنتی ترکیه از جمهوری آذربایجان در بحران قره‌باغ، صلح در منطقه را از طریق همکاری مؤثر سه کشور اصلی منطقه با دو کشور ایران و روسیه بدون حضور ترکیه، میسر می‌داند. تلاش برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان در منطقه از نقاط مثبت این الگو است؛ اما این الگو یک الگوی فراگیر منطقه‌ای نیست. بنابراین ممکن است تنها در مقاطعی برای فشار به ترکیه کاربرد مؤثری داشته باشد.



شکل ۵: الگوی ۲+۳ مورد حمایت ارمنستان

۲-۸. الگوهای فرامنطقه‌ای

الگوهای فرامنطقه‌ای، سازوکارهای حفظ و تضمین امنیت قفقاز را در ورای همکاری‌های منطقه‌ای جست‌وجو کرده یا امنیت منطقه را بخشی از امنیت مجموعه بزرگ‌تری از کشورها تلقی می‌کنند. الگوهای فرامنطقه‌ای به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند که هر یک شامل چند الگو است.

۲-۹. الگوهای امنیت پیوسته

یکی از مهم‌ترین الگوهای فرامنطقه‌ای برای برقراری امنیت در قفقاز، الگوی ۲+۳+۳ است. در این الگو، سه کشور قفقاز جنوبی شامل آذربایجان، گرجستان و ارمنستان گروه اول را



تشکیل می‌دهند. در گروه دوم قدرت‌های منطقه‌ای نزدیک به قفقاز شامل فدراسیون روسیه، ایران و ترکیه به‌عنوان ضامن امنیت در قفقاز ایفای نقش می‌کنند و در گروه سوم، از آمریکا و اتحادیه اروپا برای بر عهده گرفتن نقش «سرپرستی» روند صلح در قفقاز دعوت به عمل می‌آید.

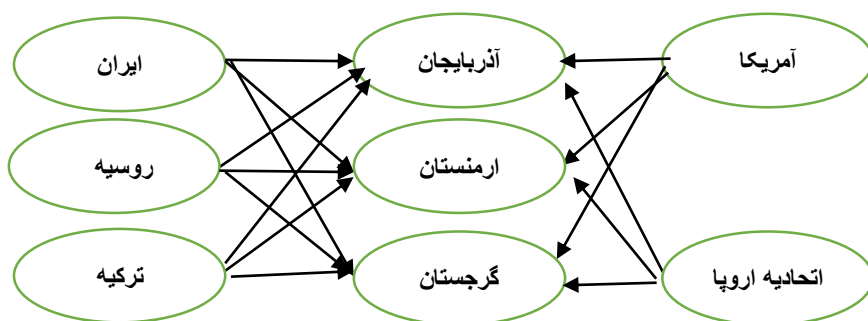
این الگوها از امنیت، تعریفی گسترده ارائه نموده و با عوامل تهدید امنیت در چهارچوب یک راهبرد وسیع و همه‌جانبه مقابله می‌نمایند. موضوع گسترش پیمان ناتو به شرق، گسترش حوزه و دامنه فعالیت فرمانطقه‌ای از نوع غربی برای حفظ امنیت قفقاز محسوب می‌گردد. در این الگوها، تفکر اساسی، مقابله با نفوذ طبیعی روسیه و ایران در منطقه بوده و قفقاز، ادامه طبیعی سرزمین اروپا و جزئی از حوزه تمدن اروپا تلقی می‌گردد. این الگو، از سوی برخی کشورهای اروپایی نیز مورد حمایت قرار گرفته است. البته کشورهای اروپایی بیشتر از الگوی ۳+۲+۳ پیروی کرده و حمایت آن‌ها از الگوی ۳+۳+۲ بیشتر به خاطر برخی وجوه شباهت این دو الگو است.

یکی از ایرادهای مهم این الگو، این است که در آن، سه کشور مهم منطقه یعنی ایران، روسیه و ترکیه به‌عنوان «ضامن» امنیت در منطقه تعریف می‌شوند؛ درحالی‌که اتحادیه اروپا و آمریکا که فرسنگ‌ها با منطقه فاصله دارند، به‌عنوان «سرپرست» امنیت در منطقه مشخص شده‌اند. به این ترتیب قدرت‌های منطقه‌ای در سایه قرار گرفته و قدرت‌های فرمانطقه‌ای نقش محوری پیدا کرده‌اند که این موضوع با واقعیات منطقه مغایر است (ایرنا، ۱۳۷۹/۰۱/۱۰).

الگوی دیگری که در آن برای کشورهای فرمانطقه‌ای نقش قائل شده‌اند، الگوی ۳+۲+۳ است که در آن، سه کشور ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان در کنار ترکیه و ایران و گروه سوم با مشارکت روسیه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا امنیت را در منطقه برقرار می‌کنند.

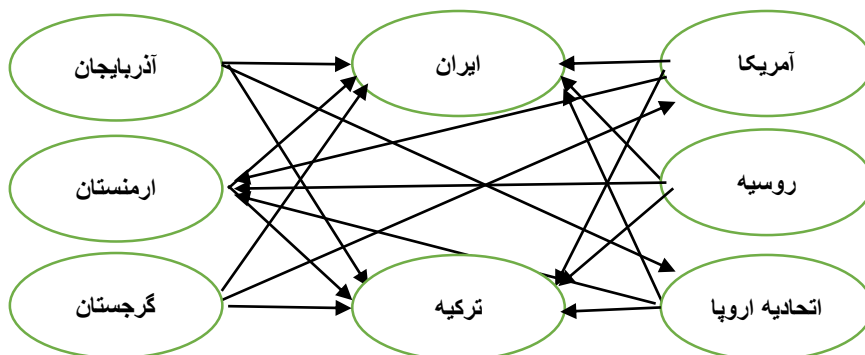
به باور کارشناسان، این الگو نوعی پاسخ اروپا و آمریکا به واکنش منفی روسیه به الگوی ۳+۳+۲ است. در این الگو جایگاه روسیه از قرار گرفتن در کنار ایران و ترکیه به‌عنوان ضامن‌های امنیت در قفقاز به هم‌تراز شدن با اتحادیه اروپا و آمریکا به‌عنوان سرپرست‌های

امنیت در قفقاز ارتقا یافته است. هرچند که در اصل، اتحادیه اروپا در محور قرار گرفته است. این الگو مورد پذیرش روسیه نیست؛ چراکه پای رقبای روسیه، به‌ویژه آمریکا را در منطقه باز می‌کند؛ اما در میان کشورهای اروپایی طرفداران فراوانی دارد (ایرنا، ۱۳۷۹/۱۰/۲۹). ارائه این الگو از سوی کشورهای اروپایی نشان‌دهنده تلاش جدی آنان برای نقش‌آفرینی در منطقه نفت‌خیز قفقاز است. باین‌حال تجربه فعالیت اروپاییان به‌ویژه در چهارچوب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در قفقاز و مناقشه قره‌باغ نشان می‌دهد که اروپاییان تاکنون چندان در حل معضلات امنیتی منطقه قفقاز موفق نبوده‌اند (سوقومونیان، ۱۳۷۹).



شکل ۶: الگوی ۲+۳+۳+۳ مورد حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا

الگوی ۳+۲+۳ برای عمیق‌تر کردن برنامه همگرایی، استقرار ساختارهایی از قبیل مجمع مدنی سازمان‌های غیردولتی، شورای اتحادیه‌های صنفی جامعه جنوب قفقاز و غیره و تشکیل شورای جامعه جنوب قفقاز در حوزه سیاست‌های اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند که هدف اصلی آن، شکل‌گیری یک منطقه تجاری آزاد مشابه برنامه سازمان تجارت جهانی در جنوب قفقاز است.



شکل ۷: الگوی ۳+۲+۳ مورد حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا

۲-۱۰. الگوهای امنیت ناپیوسته

این الگوها متکی بر همکاری کشورهای بازمانده از شوروی در یک مجموعه گسترده‌تر و حوزه‌ای وسیع‌تر از یک منطقه خاص هستند. پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای مشترک‌المنافع و اتحادیه گوام را می‌توان از جمله این الگوها دانست (حسینی، ۱۳۸۳: ۳۰).

۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

۳-۱. تجزیه و تحلیل کیفی داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان و مرور ادبیات تحقیق

در این پژوهش، منبع اصلی داده‌ها، مطالعه اسناد و مطالب کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق با خبرگان بود؛ به گونه‌ای که مصاحبه‌های ابتدایی به صورت اکتشافی و توصیفی بودند و به تدریج پس از انجام هر مصاحبه، کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها انجام می‌شد و به وسیله روش مقایسه دائمی داده‌ها، کدهای نظری از طریق کدگذاری باز پدیدار می‌شدند و به همین ترتیب کدگذاری‌های ۳۰ مصاحبه انجام شد.

گام نخست: کدگذاری باز

در این مرحله، کدهای اولیه از مصاحبه‌ها استخراج گردیدند که در جدول (۳)، نتایج این مرحله از کدگذاری را می‌توان مشاهده نمود.

جدول ۳: کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

مقوله‌ها	کدهای ثانویه	فراوانی
آسیب‌شناسی سیاست‌ها و راهبردهای ایران در قفقاز جنوبی	تبدیل اشتراکات و فرصت‌ها به تهدید؛ عملکرد بد صدا و سیما در منطقه؛ نداشتن شناخت درست از روند تحولات منطقه؛ تنوع و پراکندگی مراجع تصمیم‌گیری در ایران؛ نداشتن استراتژی منسجم در قفقاز؛ تبدیل فرصت‌ها به تهدید؛ نداشتن سیاست، راهبرد و برنامه برای کنشگری در قفقاز جنوبی.	۱۸
اقدامات لازم برای دفاع	فعال کردن دیپلماسی دفاعی اقتضایی؛ تقویت بازدارندگی در مقابل سایر بازیگران؛ ایجاد موازنه در روابط با آذربایجان و ارمنستان؛ تقویت ارمنستان به‌منظور ایجاد موازنه؛ ورود به بازی‌های برد-برد و لزوم توجه به منافع سایر بازیگران؛ حضور قوی اطلاعاتی در منطقه؛ لزوم تقویت نیروی دریایی با شناورهای بزرگ در خزر؛ تقویت محورهای مواصلاتی و احداث جاده و راه‌آهن.	۲۸
زمینه‌ها و بسترهای همکاری و همگرایی	داشتن تمدن و فرهنگ و تاریخ مشترک با کشورهای حوزه قفقاز جنوبی؛ فرصت بودن حضور غرب و ناتو در منطقه به‌جای تهدید منظور کردن آن؛ داشتن روابط مسالمت‌آمیز با همسایگان و بازیگران.	۱۶
تحولات منطقه	تقویت آذربایجان توسط روسیه؛ تغییر جهت ارمنستان به سمت غرب؛ تجدیدنظر غرب در سیاست میانجی‌گری خود؛ کاهش نفوذ روسیه در منطقه.	۷



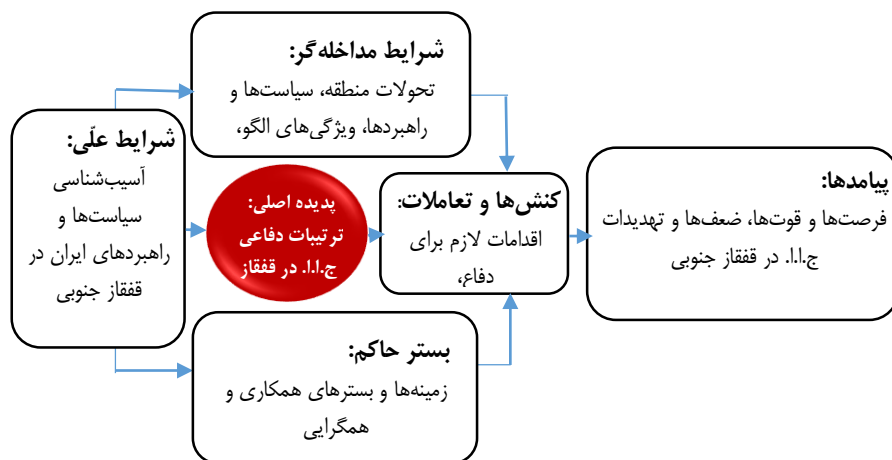
مقوله‌ها	کدهای ثانویه	فراوانی
سیاست‌ها و راهبردها	لزوم اعتمادسازی و نفوذ فرهنگی؛ عدم اعتماد به روسیه؛ متوازن کردن روابط با قدرت‌های بزرگ؛ تغییر بازی به کمک غرب؛ تعریف منافع فضاپایه به‌جای جغرافیای پایه؛ تعامل در صحنه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛ ممانعت از شکل‌گیری کمربند ترک‌زبان؛ جلوگیری از شکل‌گیری تغییرات ژئوپلیتیکی در استان سیونیک؛ ممانعت از شکل‌گیری خطوط انرژی با دور زدن ایران؛ وابستگی ژئوپلیتیک کشورهای منطقه به خود؛ تعامل با ترکیه به‌عنوان رقیب منطقه‌ای ایران؛ تعامل با قدرت‌های جهانی و کاهش تقابلات؛ تقویت ارمنستان.	۵۲
فرصت‌ها و قوت‌ها	گرایش به توسعه اقتصادی در ارمنستان؛ حضور چین در قفقاز به‌عنوان بازیگر ثبات‌ساز؛ افزایش همکاری‌های ارمنستان با غرب و اروپا؛ استفاده از حبس ژئوپلیتیک منطقه قفقاز؛ افول قدرت جهانی روسیه به قدرت منطقه‌ای؛ ایران؛ حلقه واسط قفقاز با دنیای خارج.	۱۷
ضعف‌ها و تهدیدات	ظرفیت پایین نقش‌آفرینی ایران در قفقاز؛ تعمیق روابط و نفوذ فرهنگی و اقتصادی ترکیه در آذربایجان؛ روسیه اجازه نفوذ در قفقاز را به ایران نمی‌دهد؛ هدف‌گذاری آذربایجان و ترکیه برای اشغال سیونیک؛ صعود قدرت ترکیه.	۲۵

گام دوم: کدگذاری محوری

هدف از این مرحله، برقراری رابطه بین طبقه‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز بود. این کار براساس مدل پارادایم انجام گرفت و به محقق کمک کرد تا فرایند تحقیق را به سهولت پیش ببرد.

گام سوم: کدگذاری انتخابی

در این مرحله تلاش به عمل آمد تا طبقه‌ها به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی تحقیق بود. زیرا طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چهارچوب یک روایت از الگوی دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران، در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز ارائه می‌داد.



شکل ۸: کدگذاری انتخابی براساس مدل پارادایمی تحقیق

براساس دیدگاه خبرگان این تحقیق، ترتیبات دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی، امری واقع‌بینانه‌ای و شامل موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی است که در آن، به خلأهای ژئوپلیتیکی و موقعیت کریدوری ایران توجه شده و دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و نظامی است.



در بُعد سیاسی این الگو، جمهوری اسلامی باید با ایجاد همگرایی سیاسی، تلاش کند کریدور ارس را به جای کریدور جعلی زنگه‌زور به کشورهای منطقه بقبولاند یا اگر کریدور از خاک ارمنستان عبور می‌کند حتماً تحت کنترل ارمنستان و روسیه باشد. ایران برای کنترل آذربایجان باید در روابط خود با ترکیه موازنه برقرار کند و درعین حال توجه داشته باشد که ترکیه رقیب منطقه‌ای ما است که نباید با آن وارد نزاع شد، بلکه باید با تعامل مشکلات را حل نمود.

در بُعد اقتصادی، ایران باید تلاش کند با دو کشور همسایه قفقازی ارتباط اقتصادی برقرار کند که استمرار این رابطه برای این دو کشور دارای اهمیت باشد و به راحتی نتواند از مزایای این ارتباط اقتصادی گذر کند. ایجاد کریدور ارس علاوه بر اینکه از نظر اقتصادی درآمد قابل توجهی برای ایران خواهد داشت و همچنین این دو کشور را از مزایای اقتصادی بهره‌مند خواهد کرد که رابطه اقتصادی با ایران را به طور مستمر ادامه دهند. در این راستا می‌توان دو بندر در خلیج فارس به نام‌های باکو و ایروان احداث نموده و در اختیار دو کشور مذکور قرارداد تا منجر به درآمد از ترانزیت گردد.

در بُعد نظامی، ایران باید از وقوع جنگ در منطقه جلوگیری نموده و از رویارویی مستقیم با آذربایجان پرهیز نموده و نداجا را با شناورهای سنگین تقویت کند. همچنین تقویت یگان‌های زمینی مستقر در شمال غرب کشور برای مقابله با تهدیدات و ایفای نقش بازدارندگی ضروری است.

در بُعد فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران بایستی با نگاه عمل‌گرا بر مشترکات تاریخی و فرهنگی خود با کشورهای منطقه تأکید نموده و رویکرد منفعت‌محوری را دنبال کند؛ در مؤلفه خارجی نیز باید ارتباط خود با اقوام گوناگون ساکن در آذربایجان را تقویت نموده و در صورت لزوم از آنان برای تحت فشار قرار دادن دولت مرکز آذربایجان استفاده کند.

۳-۲. تجزیه و تحلیل کمی هدف اصلی تحقیق: بررسی ترتیبات دفاعی-امنیتی فعلی و آینده محتمل ناشی از تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی

در پاسخ به سؤال تحقیق، براساس گویه‌های ۳۰ تا ۴۴ پرسش‌نامه و داده‌ها، اتحادیه اروپا با حمایت ایالات متحده به دنبال افزایش توان بازدارندگی ارمنستان برای جلوگیری از درگیری نظامی مجدد و تغییرات ژئوپلیتیک بیشتر در منطقه و کاهش تدریجی وابستگی ارمنستان به روسیه و تقویت دموکراسی در ارمنستان و حفاظت از آن در برابر فشارهای داخلی و خارجی بوده و اگر ایران به‌طور رسمی وارد آذربایجان شود، ترکیه هم ورود خواهد کرد و ادامه درگیری‌ها به جمهوری آذربایجان و ارمنستان ختم نخواهد شد؛ لذا احتمال درگیری ایران و ترکیه نیز وجود خواهد داشت. بر همین اساس، الگوی ۲+۳+۳ از طریق همکاری سه کشور اصلی حوزه قفقاز با سه کشور همسایه خود یعنی ایران، روسیه و ترکیه، در کنار آمریکا و اروپا، امنیت منطقه را تضمین نموده و اقتصاد، این توانایی را دارد که در منطقه ثبات ایجاد کرده و کشورهای منطقه را به سمت نوعی ترتیبات دفاعی-امنیتی تعاملی و همگرا سوق دهد. از نظر کارشناسان، وضعیت آناشیک مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی گویای آن است که ترتیبات امنیتی این منطقه در حال حرکت از وضعیت «معضل امنیتی» به «نظام موازنه قدرت» بوده و اگر اروپا تمام‌قد پشت ارمنستان بایستد و از آن حمایت کند، ایروان سیونیک را حفظ خواهد کرد. جدول (۴)، زیر خلاصه دیدگاه کارشناسان را در این زمینه نشان می‌دهد:

جدول ۴: خلاصه دیدگاه کارشناسان در خصوص ترتیبات دفاعی-امنیتی فعلی و آینده محتمل

ناشی از تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی

گویه	میانگین	انحراف معیار	CV
دو عنصر شیعه و پان‌ترکیسم مهم‌ترین عناصر اثرگذار در تغییر ترتیبات امنیتی منطقه هستند.	۳/۴۰	۱/۱۷	۰/۳۵
منطقه قفقاز در حال حرکت به سمت خشونت و بی‌ثباتی است.	۳/۰۰	۱/۰۵	۰/۳۵
اقتصاد، این توانایی را دارد که در منطقه ثبات ایجاد کرده و کشورهای منطقه را به سمت نوعی ترتیبات دفاعی-امنیتی تعاملی و همگرا سوق دهد.	۴/۳۰	۰/۸۲	۰/۱۹



گویه	میانگین	انحراف معیار	CV
تا زمانی که مناسبات روسیه و اروپا به ثبات و چهارچوب خاصی نرسد، قفقاز جنوبی دچار ناامنی و بی‌ثباتی خواهد بود.	۳/۹۰	۰/۷۴	۰/۱۹
اتحادیه اروپا با حمایت ایالات متحده به دنبال تقویت دموکراسی در ارمنستان و حفاظت از آن در برابر فشارهای داخلی و خارجی است.	۴/۴۰	۰/۷۰	۰/۱۶
اتحادیه اروپا با حمایت ایالات متحده به دنبال افزایش توان بازدارندگی ارمنستان برای جلوگیری از درگیری نظامی مجدد و تغییرات ژئوپلیتیکی بیشتر در منطقه است.	۴/۳۰	۰/۶۷	۰/۱۶
اتحادیه اروپا با حمایت ایالات متحده به دنبال کاهش تدریجی وابستگی ارمنستان به روسیه است.	۴/۸۰	۰/۴۲	۰/۰۹
تعامل اتحادیه اروپا و ایالات متحده با ارمنستان دست‌کم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت هیچ‌گونه برتری ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده‌ای برای آن‌ها رقم نخواهد زد.	۳/۷۰	۰/۴۸	۰/۱۳
اگر اروپا تمام‌قد پشت ارمنستان بایستد و از آن حمایت کند، ایروان سیونیک را حفظ خواهد کرد.	۴/۰۰	۰/۹۴	۰/۲۴
وضعیت آنارشیک مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی گویای آن است که ترتیبات امنیتی این منطقه در حال حرکت از وضعیت «معضل امنیتی» به «نظام موازنه قدرت» است.	۴/۱۰	۰/۵۷	۰/۱۴
الگوی ۳+۳ شامل سه کشور حوزه قفقاز جنوبی در همکاری با سه کشور همسایه یعنی ایران، روسیه و ترکیه، امنیت منطقه را تضمین می‌نماید.	۳/۰۰	۰/۸۲	۰/۲۷
الگوی ۳+۳+۲ از طریق همکاری سه کشور اصلی حوزه قفقاز با سه کشور همسایه خود یعنی ایران، روسیه و ترکیه، در کنار آمریکا و اروپا امنیت منطقه را تضمین می‌نماید.	۴/۵۰	۰/۷۱	۰/۱۶

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۴-۱. جمع‌بندی

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که حضور اروپا در منطقه، پیامدهای ژئوپلیتیک برای قفقاز جنوبی و اتحادیه اروپا در آنجا دارد. به‌موازات افزایش نقش اتحادیه اروپا، نفوذ روسیه در منطقه رو به کاهش خواهد بود. کاهش وابستگی ارمنستان به روسیه، پویایی قدرت در قفقاز جنوبی را

به نفع ارمنستان و اروپا تغییر می‌دهد. با این حال، دو مانع قابل توجه در این مسیر وجود دارد: اول اینکه، اتحادیه اروپا و قدرت‌های بزرگ اروپایی به دلیل همکاری در حوزه انرژی با آذربایجان، نسبت به دشمنی با این کشور محتاط هستند و دوم، رابطه ارمنستان با روسیه است؛ زیرا ایران همچنان عضو منطقه اقتصادی اوراسیا تحت تسلط مسکو و ائتلاف نظامی سازمان پیمان امنیت جمعی است.

در این میان، راه‌کار جمهوری اسلامی ایران، تثبیت قدرت خود با اقتصاد و انرژی و ارتباطات فرهنگی است تا تکلیف خود را روشن کند. بنابراین باید رویکردهای سیاست منطقه‌ای خود را مرتب نموده و براساس تبادل فرهنگی و انرژی و قراردادهای امنیتی با ارمنستان و دیگر کشورها، تعامل کند تا با این اقدامات، امنیت و دفاع خود را تأمین نماید. تلخیص و دسته‌بندی داده‌های به دست آمده از مطالعات کتابخانه‌ای نشان می‌دهند که ماهیت روابط کشورهای منطقه قفقاز جنوبی، ماهیتی سیال است که با توجه به شرایط داخلی و اقتضائات منطقه‌ای طی دهه‌های اخیر شکل گرفته است. وضعیت هرج و مرج گونه مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی گویای آن است که ترتیبات امنیتی این منطقه در حال حرکت از وضعیت «معضل امنیتی» به «نظام موازنه قدرت» است که این وضعیت هم‌سو با وضعیت «جنگ تا بحران مداوم» و وضعیت «هراس و سوءظن» در الگوهای دوستی و دشمنی است. به عبارت دیگر، وجود ساختار هرج و مرج گونه، سوءظن واحدهای سیاسی منطقه و وابستگی متقابل امنیتی منفی، تاکنون مانع از حرکت منطقه قفقاز جنوبی به سمت «ثبات» و استقرار ساختارهایی چون نظام امنیت جمعی، رژیم امنیتی و جامعه امنیتی شده است.

در این راستا ایده جمهوری اسلامی ایران برای استقرار امنیت در قفقاز جنوبی، سازوکار امنیتی ۳+۳ بوده که طی آن، سه کشور حوزه قفقاز جنوبی در همکاری با سه کشور همسایه یعنی ایران، روسیه و ترکیه، امنیت منطقه را تضمین می‌نمایند. براساس تحلیل‌های کمی نیز اتحادیه اروپا با حمایت ایالات متحده به دنبال افزایش توان بازدارندگی ارمنستان برای جلوگیری از درگیری نظامی مجدد و تغییرات ژئوپلیتیک بیشتر در منطقه و کاهش تدریجی وابستگی ارمنستان به روسیه و تقویت دموکراسی در ارمنستان و حفاظت از آن در برابر



فشارهای داخلی و خارجی بوده و اگر ایران به گونه رسمی وارد آذربایجان شود، ترکیه هم ورود خواهد کرد و ادامه درگیری‌ها به جمهوری آذربایجان و ارمنستان ختم نخواهد شد؛ به همین دلیل احتمال درگیری ایران و ترکیه نیز وجود خواهد داشت.

۴-۲. پیشنهادها

تلخیص و دسته‌بندی داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با صاحب‌نظران نشان می‌دهد که به‌عنوان یک راه‌کار مقابله‌ای جمهوری اسلامی در قفقاز جنوبی، چینی‌ها نسبت به منطقه علاقه نشان داده و این امکان را دارند که کشورهای منطقه را به سمت نوعی ترتیبات دفاعی و امنیتی تعاملی و همگرا سوق دهند. بنابراین به تصمیم‌گیران و مسئولین دفاعی و سیاسی کشور پیشنهاد می‌گردد جمهوری اسلامی ایران با استفاده از توان جمهوری خلق چین، به تقویت موقعیت دفاعی-امنیتی خود در قفقاز جنوبی اقدام نماید. همچنین به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌گردد در خصوص برشماری تجهیزات و سامانه‌های پیشرفته مورد نیاز در الگوی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی و امکان‌پذیری انعقاد پیمان دفاعی با جمهوری آذربایجان و ارمنستان تحقیق نمایند.

فهرست مطالب

- اعظمی، هادی؛ سلطانی، محسن (۱۳۹۶). اهداف حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر منافع ملی ایران، فصلنامه پژوهش ملل، شماره ۱۷.
- بوزان، باری (۱۳۹۲). مردم، دولت‌ها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جیلویان، آرمان (۲۰۰۰). یک فرمول دیگر برای همکاری، روزنامه نزاویسمیاگازتا چاپ مسکو، ۲۰ می ۲۰۰۰، مترجم نازلی اصغرزاده.
- چشمه‌اعلائی، مهرداد (۱۳۹۷). جمهوری آذربایجان؛ تهدید و فرصت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی سپهر سیاست.
- حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۳). مطالعه تطبیقی رویکردهای امنیتی در قفقاز با محوریت آذربایجان، دانشگاه تهران.
- حیدری، جواد (۱۳۹۵). فرصت‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش سیاسی، سال یازدهم، ۱۳۹۵.
- رحمانی، کریم (۱۳۹۱). توسعه نقش امنیتی ناتو در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن در روابط با جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه وزارت امور خارجه.
- ژولیان، سورن (۲۰۰۰). دولت‌های شناسایی نشده در سیستم امنیت منطقه‌ای، سمینار بین‌المللی چشم‌انداز همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و حل و فصل مناقشات در ایروان، ۲۸ - ۲۷ سپتامبر.
- سنجابی، علیرضا (۱۳۷۵). راهبرد دفاع غیرتحریک‌آمیز، ستاد مشترک آجا، شماره ۲.
- سوقومونیان، آشوت (۱۳۷۹). سیستم امنیتی قفقاز شکل خواهد گرفت؟ روزنامه یرگیر چاپ ارمنستان، ۱۳۷۹/۰۴/۰۲، ترجمه سفارت ایران در ارمنستان.
- شعیب، بهمن (۱۴۰۱). طرح راهبردی تحولات مطلوب جمهوری اسلامی ایران برای آینده جمهوری آذربایجان (۱۴۰۵ - ۱۴۰۱)، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، پژوهشکده جبهه مقاومت.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۲). هویت ملی و سیاست روسیه در خارج نزدیک، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۴.



- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۸). *راهبرد جمهوری آذربایجان برای تغییر موازنه راهبردی در قفقاز جنوبی*، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۹). *تأملی بر رویکرد نیکول پاشینیان در قبال مناقشه ناگورنو-قره‌باغ*، چه شد پاشینیان باخت؟ ایراس؛ ۱۹ آذر ۱۳۹۹
- مهری، عباس (۱۳۸۳). *موانع همگرایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی*، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.

References

- Wolfers, Arnold-Discord and Collaboration. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1962.
- Taliaferro, J. "Security Under Anarchy: Defensive Realism Reconsidered", Unpublished Article, 1999.
- Buzan, Barry and Little, Richard- International Systems in World History Remaking the Study of International Relations. Oxford: Oxford University Press, 1991,
- <https://www.cambridge.org-Cantori and Spiegel>
- <https://www.google.com/url?sa=i&url>